



استاندار گیلان با تاکید بر ضرورت بهره گیری هدفمند از ظرفیت‌های دریایی استان گفت: توسعه زیرساخت‌های بندری، حمل و نقل دریایی و جذب سرمایه‌گذاری، گیلان را به یکی از محورهای اصلی تجارت و ترانزیت کشور در شمال و اقتصاد دریا پایه تبدیل خواهد کرد. به گزارش اقتصادسراسر، هادی حق‌شناس در دیدار با علی عبدالعلی‌زاده نماینده ویژه رئیس‌جمهور در اقتصاد دریامحور، ظرفیت‌های راهبردی استان در حوزه اقتصاد دریاپایه، توسعه بنادر، کریدورهای ترانزیتی، سرمایه‌گذاری و تجارت دریایی را مورد بررسی قرار داد. وی با اشاره به موقعیت ممتاز گیلان در سواحل دریای خزر و قرار گرفتن در مسیر کریدورهای بین‌المللی، اظهار کرد: گیلان به واسطه برخورداری از بنادر، منطقه آزاد انزلی، زیرساخت‌های لجستیکی، ظرفیت‌های شیلیاتی، گردشگری دریایی و تجارت فرامرزی، از جایگاهی ویژه در تحقق سیاست‌های اقتصاد دریامحور کشور برخوردار است و باید از این ظرفیت‌ها به‌صورت هدفمند، برنامه‌محور و با رویکرد توسعه‌گرا بهره گرفت. وی با تاکید بر ضرورت هم‌افزایی دستگاه‌های اجرایی و حمایت دولت از طرح‌های زیرساختی، افزود: توسعه زیرساخت‌های بندری، حمل و‌نقل دریایی، جذب سرمایه‌گذاری و تکمیل پروژه‌های راهبردی، زمینه‌ساز رونق اقتصادی، ایجاد اشتغال و افزایش سهم گیلان در مبادلات منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد بود.

استاندار گیلان با اشاره به ظرفیت‌های منطقه آزاد انزلی، بنادر استان و فرودگاه بین‌المللی سردار جنگل رشت، تصریح کرد: اتصال و هم‌افزایی این زیرساخت‌ها می‌تواند گیلان را به یکی از محورهای اصلی تجارت، ترانزیت و مبادلات اقتصادی کشور در شمال تبدیل کرده و نقش استان را در کریدورهای بین‌المللی بیش از پیش تقویت کند.

در این دیدار، علی عبدالعلی‌زاده نماینده ویژه رئیس‌جمهور در اقتصاد دریامحور نیز با اشاره به جایگاه راهبردی گیلان در نقشه توسعه اقتصاد دریاپایه کشور بر حمایت از طرح‌های زیرساختی و پیگیری ملی پروژه‌های اولویت‌دار استان تأکید کرد.

فرماندار چابهار: رفع مشکلات سوخت و مجوز لنج‌داران با جدیت پیگیری می‌شود



معاون استاندار و فرماندار ویژه شهرستان چابهار گفت: رفع مشکلات سوخت، تسهیل ثبت شناورهای موقت و ساده‌سازی فرآیند صدور مجوزهای قانونی برای لنج‌داران از اولویت‌های مدیریت شهرستان است و این مطالبات تا حصول نتیجه به‌صورت مستمر پیگیری خواهد شد.

به گزارش اقتصادسراسر، علیرضا نورابه ایرنا اظهار کرد: اقتصاد دریایی یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های توسعه شهرستان است و لنج‌داران نقش محوری در رونق فعالیت‌های اقتصادی، اشتغال و تأمین معیشت خانواده‌های ساحل نشین دارند، از این رو رسیدگی به مشکلات این قشر در دستور کار فرمانداری قرار دارد.

وی افزود: در نشست‌های مختلف فعالان حوزه دریانوردی و لنج‌داران مسائل و دغدغه‌های خود را در زمینه تأمین سوخت، ثبت شناورهای موقت و روند دریافت مجوزهای قانونی مطرح کرده‌اند که تمامی موارد به‌صورت دقیق بررسی و برای رفع آن‌ها تصمیمات لازم اتخاذ شد.

فرماندار چابهار با تأکید بر اینکه موضوع تأمین سوخت لنج‌ها تنها یک مسئله اجرایی نیست، بیان کرد: دسترسی مناسب به سوخت، استمرار فعالیت‌های دریایی و حفظ معیشت فعالان این بخش را تضمین می‌کند و فرمانداری با همکاری دستگاه‌های مسئول، این مطالبه را به‌صورت ویژه دنبال خواهد کرد. وی ادامه داد: تسهیل در ثبت شناورهای موقت و کاهش بروکراسی اداری برای صدور مجوزها نیز از دیگر مطالبات مهم لنج‌داران بود که برای رفع موانع موجود، هماهنگی‌های لازم با دستگاه‌های مرتبط انجام خواهد شد تا فرایند ارائه خدمات به فعالان این حوزه با سرعت بیشتری انجام گیرد.



در سیاست بین‌الملل، هیچ گاه نمی‌توان از یک منازعه طولانی پیش‌فرض‌های اولیه و خطی، نتیجه‌گیری قطعی کرد و همواره باید برای سناریوهای غیرمنتظره و تغییرات ناگهانی در موازنه قدرت، آمادگی داشت.

نکته حائز اهمیت دیگر، نقش بازیگران منطقه‌ای در این معادله پیچیده است. کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، به ویژه عربستان سعودی و امارات متحده عربی، که در ابتدای بحران موضوعی نسبتاً محافظه‌کارانه اتخاذ کرده بودند، با گسترش دامنه درگیری و تهدید مستقیم امنیت در یانوردی، به تدریج به این نتیجه رسیده‌اند که ثبات منطقه، در گرو تعامل با تمامی بازیگران مؤثر از جمله ایران است. این تغییر رویکرد، که تا حدی ناشی از نگرانی از گسترش آتش‌جنگ به خاک آنها و تاحدی ناشی از محاسبات اقتصادی مبتنی بر قیمت نفت و امنیت تأمین انرژی است، به طور غیرمستقیم به نفع تهران عمل کرده و اجماع منطقه‌ای علیه ایران را با چالش مواجه ساخته است. دیپلماسی پنهان و آشکار ایران با همسایگان جنوبی خود در ماه‌های اخیر، نشان از درک عمیق تهران از اهمیت همکاری منطقه‌ای برای خنثی‌سازی فشارهای خارجی دارد و این رویکرد چندوجهی، یکی از عوامل کلیدی در تداوم تاب‌آوری ایران در برابر ائتلاف مقابل بوده است.

در پایان، می‌توان گفت که اگر چه دستاوردهای نظامی و زیرساختی از دست رفته برای ایران غیر قابل انکار است، اما با بهره‌گیری از معماری نهادهای مقاوم در برابر شوک، تغییر راهبردد بازدارندگی از طریق تهدید تنگه‌های استراتژیک و انفعال‌سازی نسبی ائتلاف مقابل از طریق نمایان‌سازی واگرایی منافع در میان آنها، تهران توانسته است نه تنها از فروپاشی نجات یابد، بلکه معادلات جدیدی را بر منطقه تحمیل کند که تا سال‌ها، هر گونه محاسبه‌گری نظامی یا سیاسی علیه آن را با ملاحظات پیچیده‌تری مواجه خواهد کرد. این پیروزی از جنس «نشدن»، اگر چه هزینه‌هایی گزاف داشته، اما نشان داد که در سیاست بین‌الملل، قدرت، صرفاً با موشک‌ها یا تولید ناخالص داخلی سنجیده نمی‌شود، بلکه با توانایی بازیگران در تعریف مجدد مسیر بازی و تحمیل اراده خود بر حریفان، حتی در سخت‌ترین شرایط ممکن، رقم می‌خورد. آنچه مسلم است، اینکه دوران تقابل‌های ساده دوقطبی به سر آمده و عصر جدیدی از منازعات چندقطبی و چندلایه فراسیده است که در آن، هوش راهبردی و توانایی مدیریت هم‌زمان چندین جبهه و محاسبه، بر تری قاطع را برای هر بازیگری به ارمان خواهد آورد. ایران را به‌عنوان از این آزمون سخت، حداقل توانسته است اعتبار خود را به عنوان بازیگری که نمی‌توان به سادگی از معادلات حذفش کرد، حفظ نماید و این دستاوردی است که در بلندمدت، شاید از بسیاری از پیروزی‌های مقطعی نظامی نیز ارزشمندتر باشد.

حلقه‌ها را در پی خواهد داشت. این استراتژی، علاوه بر اینکه به مثابه اهرم چانه‌زنی برای حفظ حزب‌الله در مذاکرات آتی عمل می‌کند، با تحمیل دغدغه‌های جدید بر واشنگتن، زمینه را برای اعمال فشار بر اسرائیل جهت تعدیل رفتارهای نظامی‌اش فراهم می‌سازد. مقامات ارشد ایران، از جمله علی‌اکبر ولایتی، مشاور رهبری، صراحتاً اعلام کرده‌اند که تداوم حملات اسرائیل، می‌تواند به فعال‌سازی محورهای دیگر واکنش و تهدید امنیت دریانوردی در خلیج فارس و دریای سرخ منجر شود، موضوعی که نگرانی‌های جدی را در میان کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و اقتصاد جهانی برانگیخته است. این تهدیدات، دیگر صرفاً جنبه روانی و تبلیغاتی ندارد، بلکه با آزمایش‌های عملی در ماه‌های اخیر، به اثبات رسیده است که ایران توانایی فنی و عملیاتی برای مختل کردن تردد نفتکش‌ها در این آب‌راه‌های حیاتی را دارد و این توانایی، به یکی از محورهای اصلی محاسبات امنیتی کشورهای غربی و منطقه‌ای بدل شده است.

این تغییر معادلات، نشان‌دهنده آن است که با وجود خسارات سنگین مالی و جانی وارده به ایران، تهران با تغییر رویکرد در دفاع پیش‌دستانه مبتنی بر نیابتی‌ها به سمت تهدید مستقیم شریان‌های حیاتی انرژی، موفق به ایجاد یک موازنه تازه و حائز اهمیت شده است. از سوی دیگر، جنگ کنونی، خط قرمز روانی موجود بر سر بستن تنگه هر مز را به کلی از میان برده است و در آینده، ایران با کمترین تردیدی از این تهدید به عنوان یک اهرم دائمی برای بازدارندگی استفاده خواهد کرد. بدیهی است که بازگشایی تنگه، به عنوان بخشی از تقاهمات احتمالی با آمریکا، به منزله کار گذاشتن این ابزار نخواهد بود؛ بلکه تهران آن را به عنوان یک قابلیت راهبردی که در صورت تسدوم تهدیدات، قادر به فعال‌سازی مجدد آن است، در جتنه خود نگه خواهد داشت. این رویکرد، نشان از بلوغ راهبردی ایران در مدیریت بحران‌های پیچیده دارد؛ به گونه‌ای که از هر بحرانی، به عنوان فرصتی برای ارتقای جایگاه خود در معادلات قدرت منطقه‌ای بهره می‌گیرد و اجازه نمی‌دهد فشارهای بیرونی، او را به سمت تصمیمات اشتباه و غیرمحاسبه‌شده سوق دهد.

با این توصیف، آنچه در تقابل اخیر ششاهد بودیم، صرفاً یک جنگ تمام‌عیار برای تسخیر سرزمین یا نبودی کامل یک کشور نبود، بلکه میدان نبردی بود برای تعریف نظم منطقه‌ای جدید. در این میدان، منطق آمریکا که بر دستیابی به «توافق» و دریافت «امتیاز» استوار است، با منطق اسرائیل که بر «پایان‌دادن» به تهدید از طریق تغییر رژیم مبتنی است، به بن‌بست خورده است و این بن‌بست، به نفع کشوری تمام شده است که تنها استراتژی آن، «بقا» و «کو تاها آمدن از مقاومت» نبود. این موفقیت نسبی، نه به معنای نادیده گرفتن هزینه‌های سنگین انسانی و اقتصادی است و نه به معنای پایان تهدیدات، بلکه بیانگر این واقعیت است که

«سرآمد» تحلیل می‌دهد؛

متجاوز و معمای پایان ناپذیر پایداری ایران

گروه تحلیل – امید ایرانی – در کالبدشکافی منازعات مدرن، به ویژه زمانی که به پیچیدگی‌های خاورمیانه می‌رسیم، به سادگی نمی‌توان از تقابل نظامی با زاویه‌ای تک‌بعدی نگریست. جنگ، دیگر صرفاً میدان تاخت و تاز گلوله‌ها و انهدام زیرساخت‌ها نیست، بلکه نمودی از تضاد منافع، باورهای ایدئولوژیک و محاسبات راهبردی بازیگرانی است که هر یک، تعریف خاص خود را از «پیروزی» و «پایان» دارند. تقابل اخیر ایران با ائتلاف آمریکا و اسرائیل، به‌خوبی این دوگانگی را به نمایش گذاشته است؛ جایی که منطق حاکم بر واشنگتن و تل‌آویو، نه تنها هم‌سو نیست، بلکه در بسیاری از نقاط، در تضاد بنیادین با یکدیگر قرار می‌گیرد و این شکاف، نقشی تعیین‌کننده در سرنوشت درگیری و معادلات منطقه‌ای ایفا کرده است. ایالات متحده، با انکا به سنتی دیرین در سیاست خارجی خود، عمدتاً به دنبال «امتیاز» و تغییر رفتار ایران از طریق ابزارهای اقتصادی و نظامی است، در حالی که اسرائیل، با نگاهی امنیتی و بعضاً ایدئولوژیک، به دنبال «پایان» و برچیدن ساختارهایی می‌گردد که آنها را تهدید برای هستی خود می‌داند. این دوگانگی در نگاه، نه یک اختلاف تاکتیکی سطحی، بلکه ریشه‌ش در دو پارادایم متفاوت از نظم بین‌الملل و مفهوم امنیت دارد که تاکنون کمتر مورد واکاوی عمیق قرار گرفته است.

تحلیلگران و ناظران مسائل بین‌الملل، این شکاف راهبردی را یکی از مهم‌ترین مولفه‌های شکل‌دهنده به روند جنگ می‌دانند. در حالی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، با اعلام آتش‌بس دو هفته‌ای در آوریل ۲۰۲۶، تلویحاً به این واقعیت ادعا کرد که اهداف واشنگتن فراتر از یک نبرد تمام‌عیار و فرسایشی، بر دستیابی به توافقی برای مهار توانمندی‌های هسته‌ای و موشکی ایران متمرکز است، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، با صراحت بیشتری از «براندازی سیستم سیاسی و نظامی ایران» به عنوان هدف غایی این کارزار نام برده است. این تفاوت در نگاه، صرفاً به سطح تاکتیک‌های نظامی محدود نمی‌شود، بلکه ریشه در ادراک متفاوت دو کشور از ذات نظام جمهوری اسلامی دارد. در واشنگتن، غالباً ایران از منظر برنامه هسته‌ای و تعداد موشک‌های بالستیک ارزیابی می‌شود تا از این رهگذر، بستر مذاکراتی برای محدودسازی آن فراهم آید، اما در تل‌آویو، که دهه‌هاست با نفوذ عمیق اطلاعاتی خود، لایه‌های پنهان قدرت در تهران را رصد کرده، باور بر این است که «بقای نظام» اصلی‌ترین و غیرقابل مصالحه‌ترین اولویت جمهوری اسلامی است و از همین رو، هر گونه راهبرد غیر از براندازی، صرفاً به معنای به تعویق انداختن تهدید خواهد بود. این اختلاف بنیادین، نه تنها در بیانیه‌های رسمی، بلکه در عملیات‌های میدانی نیز خود را به وضوح نشان داده است؛ جایی که نیروهای آمریکایی اغلب از ورود به درگیری‌های مستقیم و زمینی در عقب خاک ایران خودداری کرده‌اند، در حالی که اسرائیل با اصرار بر حملات پیش‌دستانه و ترورهای هدفمند، مرزهای معمول تقابل را درنور دیده است.

این دو نظریه، نه تنها مکمل یکدیگر نیستند، بلکه کارزار نظامی را به سمت نوعی «سرگردانی راهبردی» سوق داده‌اند. اسرائیل با ترورهای هدفمند خود، از جمله حمله رهبران عالی‌رتبه

مدیرکل دفتر مور اصید و صیادی سازمان شیلات ایران به سرآمد خبر داد:

صدور مجوز صید تن ماهیان در آبهای دور همزمان با فصل مونسون برای نخستین بار

سپیده مدیرکل دفتر مور اصید و صیادی سازمان شیلات ایران، گفت: برای نخستین بار و در قالب پروژه آزمایشی و پژوهشی، مجوز صید تن ماهیان در آبهای دور در فصل مونسون برای صیادان متقاضی که دارای شناورهای توانمند هستند به صورت محدود صادر شد و اولین گروه از این صیادان راهی آبهای دور شدند.

فریبرز رجایی در گفت و گو باخبرنگار اقتصاد سرآمد از به دریا رفتن شناورهای صیادی تن ماهیان برای نخستین بار در فصل مونسون خبر داد

و گفت: این امر امسال به صورت آزمایشی و پژوهشی انجام شده است تا امکان دریانوردی شناورهای صیادی در فصل مونسون بررسی و از نتایج آن در سالهای آینده استفاده شود. مدیر کل دفتر مور اصید و صیادی سازمان شیلات ایران با اشاره به اینکه صدور مجوزها به صورت محدود صورت گرفته است، گفت: در همین راستا چندی پیش حدود ۲۵ فروند شناور صیادی متعلق به صیادان استان سیستان و بلوچستان از مبدا بندر کنارک جهت صید تن ماهیان راهی آبهای دور شدند.

وی با اشاره به فعالیت حدود هزار و ۵۰۰ فروند شناور صیادی تن ماهیان متعلق به صیادان ایرانی در آبهای دور، گفت: از این تعداد حدود ۸۰۰ فروند به صیادان استان سیستان و بلوچستان و بیش از ۲۰۰ فروند به صیادان استان هرمزگان تعلق دارد. رجایی در ادامه خاطر نشان ساخت: همچنین قصد داریم به زودی شناورهای صیادی تن ماهیان متعلق به صیادان استان هرمزگان را نیز از مبدا بندر جاسک و بندر میریک راهی آب های دور کنیم و مجوز تردد آنها نیز صادر شود.

مدیر کل دفتر مور اصید و صیادی سازمان شیلات ایران، خاطر نشان ساخت: بر اساس برنامه ریزیهای صورت گرفته برای ۱۸ فروند از شناورهای صیادان متقاضی استان هرمزگان، مجوز صید در آبهای دور در فصل مونسون صادر می شود.وی با اشاره به اینکه تمام شناورهای صیادی امکان دریانوردی در فصل مونسون را ندارند، بیان داشت: دریانوردی شناورها در فصل مونسون و صدور مجوز صید برای آنها نیازمند ایمن بودن شناور و وجود شرایط خاص از جمله قدرت موتور بالا، طول بیشتر از ۲۴ متر، دارا بودن سردخانه و ... است. این مقام مسئول در سازمان شیلات ایران در ادامه گفته های خود اذعان داشت: سفر شناورهای صیادی تن ماهیان به آبهای دور، معمولاً حدود ۴۵ روز به طول می انجامد و پس از آن شناورها برای تحویل محموله خود به اسکله بندر کنارک باز می گردند.مدیر کل دفتر مور اصید و صیادی سازمان شیلات ایران، تأکید کرد: پس از اتمام فصل مونسون و بازگشت شناورهای صیادی، میزان صید آنها بررسی خواهد شد و در صورت مقرون به صرفه بودن صید و بازدهی بالا، صید تن ماهیان در فصل مونسون برای سال آینده برنامه ریزی خواهد شد تا به این ترتیب شاهد افزایش میزان صید تن ماهیان اقیانوس هند برای صیادان ایرانی باشیم. به گفته وی، ایران هم اکنون در غرب اقیانوس هند، رتبه نخست از نظر میزان صید سالانه تن ماهیان و در مجموع اقیانوس هند رتبه دوم را به خود اختصاص داده است؛ همچنین از نظر میزان در اختیار داشتن شناور صیادی نیز، ایران پس از سریلانکا،بیشترین میزان شناور صیادی تن ماهیان را در منطقه اقیانوس هند در اختیار دارد.

مدیر ملی طرح بین‌المللی حفاظت از تالاب‌های ایران به سرآمد می‌گوید:

تداوم فعالیت در حوضه ۴ تالاب بین‌المللی تا سال ۲۰۲۸ میلادی



مهری اثنی عشری در گفت و گو با خبرنگار اقتصاد سرآمد، اظهار داشت: اجرای فعالیت های پایلوت در راستای مدیریت اکوسیستمی ۴ تالاب کشور شامل تالاب های بین‌المللی انزلی، پریشان، شادگان و دریاچه ارومیه در قالب سند همکاری بین‌المللی تالاب های ایران در دست پیگیری و اجرا است.

مدیر ملی طرح بین‌المللی حفاظت از تالاب های ایران، افزود: بر اساس تفاهم نامه به امضا رسیده بین دولت ژاپن و ایران جهت بهبود وضعیت تالاب های مذکور، در ابتدای سال ۲۰۲۵ میلادی در قالب سند همکاری ۴ ساله جدید ۶۹۰ میلیون ین ژاپن ، در اختیار برنامه توسعه ملل متحد قرار گرفت که از این مبلغ مقداری در اختیار فائو است.

به گفته این مقام مسئول در سازمان حفاظت محیط زیست، از این میزان اعتبار بین‌المللی تخصیص یافته، ۴۰ درصد به احیای دریاچه ارومیه و ۶۰ درصد باقی به حفاظت و احیای تالاب های شادگان، انزلی و پریشان اختصاص یافته است.

وی با بیان اینکه بر اساس برنامه ریزی های صورت گرفته، قرار است این میزان اعتبار به تدریج طی چهار سال برای اجرای رویکردهایی در حوزه معیشت سازگار با کم آبی و استقرار کشاورزی پایدار در حوضه تالابهای منتخب هزینه شود، گفت: با توجه به گذشت حدود یک سال از امضای سند همکاری بین دولت ژاپن و سازمان توسعه ملل با سازمان حفاظت محیط زیست ایران، فعالیت های برنامه ریزی شده با پیشرفت قابل قبول، وارد هر حله ای جدید شده اند.

اثنی عشری، تأکید کرد: طی پروژه حفاظتی مذکور در چهار پهنه آبی کشور، علاوه بر حفاظت از حوضه آبی تالاب، به ابعاد اقتصادی و اجتماعی مساله حفاظت از تالاب ها هم توجه شده است، همچنین در قالب این پروژه، استقرار کشاورزی پایدار و معیشت های سازگار با کم آبی در راستای تنوع بخشی به منابع معیشتی خانواده های روستایی در تالاب های کشور انجام خواهد شد.

به گفته مدیر ملی طرح بین‌المللی حفاظت از تالاب های ایران، طبق سند همکاری با دولت ژاپن و سازمان توسعه ملل متحد تا سال ۲۰۲۸ فعالیت های اجرایی در چهار تالاب کشور ادامه خواهد داشت و ۳۰۲ میلیون دلار تخصیص یافته طی این مدت برای بهبود وضعیت این تالاب ها هزینه خواهد شد.